

اعلان قرمز اینترنتیل برای حمید فرخ‌نژاد

شکایت از حمید فرخ‌نژاد به صورت رسمی و بازگرداندن او از طریق مراجع بین‌المللی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری از ناآرامی‌های درون کشور باشد.

فرآیند انتقادهای رسانه‌ای از روندها و سوگیری حمید فرخ‌نژاد و مهتاز افشار و درنهایت فرار آنان از کشور به یک‌دیگر بسیار شباهت دارد. البته پیش‌بینی روشن از عاقبت این دو این است که هر دوی آنان به سرنوشتی مشابه یک‌دیگر دچار خواهند شد، مگر این‌که بازیگر ارتفاع‌پست مثل احسان کرمی پس از کلی مبارزه سیاسی در خندوانه، زیر عبای کیوان‌عباسی(مدیر شبکه من و تو) پنهان شود یا مثل برزو ارجمند پس از ایفا چند نقش حاکمیتی در سینما و تلویزیون، نقش یک‌کش پرچم‌شیر و خورشید در اجتماعات خارج کشور را ایفا کند. اما فرخ‌نژاد در خارج از کشور به یک مهره مطرود تبدیل خواهد شد، چراکه تفاوت عمده او با دیگران است که در مهم‌ترین فیلم‌های امنیتی و ارگانی-حاکمیتی حضور فراوانی داشته است.



اگر امروز در یک استوری ایفای نقش در سریال «سقوط» را توجیه می‌کند، حضور در فیلم ضدپهلوی(نقش افسر ارتش خائن به پهلوی) را همچنان گروه‌های سلطنت‌طلب فراموش نکرده‌اند. کمتر از شش ماه قبل تلویزیون‌های سلطنت‌طلب مشغول بررسی ابعاد تاریخی فیلم «استرداد» از منظر خودشان بودند وواژه رایج حکومتی را در مورد عوامل سازنده به‌خصوص فرخ‌نژاد استفاده می‌کردند.

فرخ‌نژاد با تمجید از شبکه‌های فارسی‌زبانی که در آشوب‌های اخیر نقش داشته‌اند، نمی‌تواند عملیات سفیدسازی خودش را برای دشمن کامل کند. او بارها در جشنواره‌های موضوعی(جشنواره فیلم دفاع‌مقدس) مورد تقدیر واقع شده و در شمار فراوانی از آثار گران قیمت حاکمیتی همکاری داشته‌است. اگر مهتاز افشار در یک مورد خاص در یک تجمع داخلی به دلیل همکاری با سیستم ایران و اتصالات سیاسی خانوادگی‌اش مورد هجوم قرار گرفت و شعاع «بی‌بی‌سی جان مدد» سر داد و جمال‌الدین موسوی به فریادش رسید، حتی چنین عاقبت ملایمی در انتظار فرخ‌نژاد نیست، زیرا خروج بازیگر امنیتی «به رنگ ارغوان»، برای همکاران او و تیم‌های تولید زین‌آوار خواهد بود. شواهد و قرائن نشان می‌دهد فرخ‌نژاد با فریب‌دادن ضابطان قوه‌قضاییه از کشور خارج شده و برخلاف سایر نهادهای نظامی این ارگان به دلیل دهن‌کچی اخیر این بازیگر، هیچ مماشاتی با عوامل سازنده این اثر نخواهد داشت. تنها راهکار نمایش سریال تولید مشترک پلنفرم پرچاشیه فیلمو، طرح شکایت توامان توسط محمدرضا منصوری(تهیه‌کننده) و فیلمو به صورت همزمان بود تا از طریق سازوکارهای قضایی، بازیگر فراری به دلیل پایبندنبودن به تعهداتش محکوم و تعقیب قضایی‌ا‌و از طریق مراجع عالی بین‌المللی دنبال شود. به این ترتیب، اعلان قرمز اینترنتیل برای بازگرداندن این بازیگر به صدارمی‌آید.

شنیده می‌شود ضمانت و ریش‌گروگذاری برای خروج فرخ‌نژاد با واسطه‌گری عوامل سازنده سریال امنیتی سقوط صورت پذیرفته و حامیان اصلی و سفارش‌دهندگان اثر از مواضع خود عقب‌نشینی نخواهند کرد. لذا بر اساس قراردادهای امضاشده، چون پخش و نمایش این اثر به مخاطره افتاده و گستاخی بزرگی از سوی بازیگرش رخ داده، فیلمو موظف به پیگیری قضایی در این زمینه است. احتمالاً مماشات و عقب‌نشینی در روند پیرونده شکایت از فرخ‌نژاد بر سایر احکام و تصمیمات احتمالی درباره پلنفرم مسأله‌ساز و پرچاشیه فیلمو بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

حنیف قریشی، نویسنده و فیلمنامه‌نویس پاکستانی-انگلیسی پس از زمین‌خوردن درایتالیا از پاییز هنوز در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستانی در شهر رم است و به گفته خودش دیگر توان راه رفتن یا دست‌گرفتن قلم را ندارد.

قریشی با بیان این که شرایط کنونی‌اش تحقیرکننده و بازی بر دوش دیگران است گفته، ستون فقرات خود را عمل کرده و در اسرع وقت فیزیوتراپی و توانبخشی را آغاز خواهد کرد. این

روزگار بد آقای فیلمنامه نویس

[۹] **ظاهرا این مستند از دل یک مستند دیگر شکل گرفت، یعنی رفته بودید فیلم دیگری بسازید و بعد در مواجهه با این سوزه تصمیم دیگری گرفتید؟**

بله، قرار بود مستندی راجع به کرونا بسازیم اما وقتی برای ساخت مستند به بیمارستانی در اراک رفته بودیم، با آقای علی بخشی آشنا شدم. با ورود به داستان زندگی او، دیگر از بحث کرونا فاصله گرفتیم و فیلم به مسیر دیگری رفت.

[۹] **آن سکانسی که بخشی، اواخر فیلم نمی از عیدی‌اش را گل می‌خرد و برای قدردانی از پرستاران و کادر درمان در دوران کرونا به آنها هدیه می‌دهد، انگار تنها بخش باقیمانده آن مستند کرونایی است.**

دقیقا، وقتی مشکلات کارگران کارخانه هپکو حل می‌شود، بخشی با اولین حقوقی که بعد از آن اتفاقات می‌گیرد، نذرش را ادا می‌کند و این کار خوب را انجام می‌دهد.

[۹] **ساخت مستندهایی مثل هپکوتیزم که جماعتی برای دریافت حقوق اولیه و معوقه‌شان دست به اعتراض می‌زنند و حتی پای نهادهای امنیتی هم به میان می‌آید، جسارت می‌خواهد و کارگردان و گروه سازنده باید منتظر هرونه خطر، تهدید و عواقبی باشند. چه چالش‌هایی برای فیلمبرداری داشتید و آیا اصلا مدیران وقت هپکو با شما همراهی کردند؟**

زمانی که ما ساخت این مستند را شروع کردیم، حکم قطعی قضایی کارگران صادر شده بود. درواقع کارخانه دچار یک شوک بود و انگار حرفی که می‌خواستیم بزنم، سرکوب شده بود. از این جهت مدیران وقت اصلا علاقه‌مند نبودند که هیچ فیلم و صدایی از هپکو به گوش برسد. چون قبلا از این هم آقای محمدرضا حاج‌محمدحسینی مستندی به نام «نان گزیده‌ها» را دراین‌باره ساخته و رسانه‌ها را متوجه هپکو کرده بود، حساسیت‌ها نسبت به ساخت مستندی دیگر بیشتر شده بود. ما نیاز به تصاویری داشتیم تا حال فعلی هپکو را باگذشته پیروون آن که سالی دو هزار دستگاه ماشین‌آلات صنعتی تولید می‌کرد، مقایسه کنیم اما به‌طور کل فیلمبرداری را ممنوع کرده بودند. اگر همکاری دوستان کارگر کارخانه هپکو نبود، ما هیچ تصویری از وضعیت کارخانه در آن زمان نداشتیم. آنها خودشون یک تیم رسانه‌ای تشکیل داده بودند تا همه اتفاقات ضبط و ثبت شود که ما بخشی از این فیلم‌ها را در مستند استفاده کردیم.

[۹] **بعد از این‌که مصمم شدید این مستند را بسازید، نقطه شروع پژوهش کجا بود و چقدر زمان برد؟**

نقطه شروع پژوهش ارتباط با خود کاراکتر بود. همین‌طور مطالعاتی راجع به کارخانه هپکو از گذشته تا امروز داشتم که چقدر تولید داشت و چه اتفاقاتی را در همه سال‌ها پشت‌سر گذاشت. نگارش خط داستان و اصطلا‌حاً فیلمنامه هم حدوداً شش ماه طول کشید.

[۹] **به نظر می‌رسد آن اتفاق دراماتیک اقدام به خودکشی بخشی که فیلمش در فضای مجازی و رسانه‌های فارسی‌زبان غربی منتشر شد هم کمک موثری به روایت مستند کرد و به نوعی حکم دهنه‌ای داشت که کتی برایش دوختید.**

همین‌طور است. سبک کاری من در مستندهایی که تا‌به‌حال کار کردم، سوزه‌محور است. ضمن این‌که مستندهای دیگری هم درباره صنعت، کارخانه‌ها و خصوصا هپکو کار شده بود اما دغدغه من در همه کارهایم به‌ویژه همین کاراین بود که چقدر افشار مختلف و عموم مردم این مستندا را می‌بینند. متاسفانه در کشور ما خیلی کم مخاطب مستند داریم.

[۹] **البته در سال‌های اخیر رو به رشد است و تعداد علاقه‌مندان مستند افزایش پیدا کرده است.**

بله، اما هنوز نسبتاً کم است و شاید عموم حوصله دیدن و شنیدن حرف‌های مهمی را ندارند که در مستندا مطرح می‌شود. از آنجایی که من در مستندا بیشتر دنبال زندگی آدم‌ها و سوزه‌ها هستم و مشکلات را از طریق خود آنها روایت می‌کنم، در هپکوتیزم هم از همین روش استفاده کردم. نقطه قوت علی بخشی، شخصیت خودش بود

و اتفاقات زندگی‌اش به‌ویژه آن اقدام که تحت‌الشعاع کارخانه هپکو و خصوصی‌سازی، بسیار بار دراماتیک داشت و انگیزه من را برای ساخت مستند بیشتر کرد، امیدوارم که خوب درآمده باشد.

[۹] **مشکلات کارخانه هپکو در دهه ۹۰ که منجر به اعتراضات و حاشیه‌های فراوانی شد، تنها نمونه‌ای از وضعیت نامناسب اقتصادی سال‌های اخیر در حوزه صنعت و اقتصاد است و فضاهای کارگری بسیاری را نمایندگی می‌کند. همین فیلم هم با روند روایت و آن شرح نوشت‌های پایانی ترکیبی از روشنایی و تاریکی است و باوجود یک پایان نسبتاً خوش، نشان از یک امیدواری کامل ندارد و حتی پیانگر این است که با واردات ماشین‌آلات همچنان امکان بازگشت تهدید‌ها برای هپکو و دیگر کارخانه‌ها وجود دارد. ساخت و نمایش چنین مستندهایی چقدر می‌تواند به حل مشکلات کمک کند و مسئولان و مدیران چقدر به این آثار توجه دارند؟ یا اساسا این فیلم‌ها را در حد طرح مسأله می‌دانید و نمی‌توان چندان امیدوار بود که اتفاقات مثبتی در واقعیت رخ دهد؟**

قطعا سینمای مستند، یک سینمای دغدغه‌مند است و دنبال این

رمان‌نویس ضمن تشکر از پزشکان و پرستاران بیمارستان به خاطر مراقبت فوق‌العاده‌شان، از خوانندگان خود پرسید آیا هیچ یک از آنها سخت‌افزار و نرم‌افزاری با کمک صوتی می‌شناسند که به او اجازه دهد بنویسد و دوباره شروع به کار کند و به‌نوعی بقیه عمرش را ادامه دهد؟

حنیف قریشی، نخستین بار سال ۱۹۸۵ برای فیلم «رختشویخانه زیبای من» به کارگردانی استیون فریزر که درباره



چند سال پیش بود که تصاویر اقدام به خودکشی یکی از کارگران کارخانه هپکو در فضای مجازی و

رسانه‌های خارجی منتشر شد که حاشیه‌های زیادی به‌وجود آورد و حتی پای نهادهای امنیتی را هم به ماجرای اعتراضات این شرکت بزرگ و نام‌آشنای تولید تجهیزات سنگین باز کرد. مستند «هپکوتیزم» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سعید ساروقی و محصول سفیرفیلم که اخیرا یکی از آثار

جشنواره سینماحقیقت بود و این روزها هم یکی از فیلم‌های حاضر در سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار است، سراغ این اتفاق تلخ و دراماتیک رفته است. این فیلم با مرور اتفاقات هپکو، روایتی با محوریت علی بخشی از کارگران این کارخانه به این سؤال جواب می‌دهد که چگونه او از

خوشبخت‌ترین مرد به شخصی متعزز، عاصی و ناامید روی پل تبدیل می‌شود. پیشنهاد می‌دهیم برای مواجهه با این پاسخ، ساعت ۱۸ امروز سری به سالن یک سینما فلسطین بزنید و به تماشای مستند هپکوتیزم بنشینید، بعد هم این گفت‌وگو با کارگردان و تهیه‌کننده فیلم را بخوانید.

[۹] **این مسأله در مستند هم برجسته است و می‌توانیم**



ارل بوئن پس از بازنشستگی از بازیگری در سال ۲۰۰۳، فعالیت خود را به‌عنوان صدایپیشه در رادیو، سریال‌های انیمیشن و بازی‌های ویدئویی ادامه داد.



مرد یک جوان پاکستانی - بریتانیایی است، مورد تحسین

بین‌المللی قرار گرفت و نامزد اسکار این فیلم شد. او نگارش هفت رمان شامل «بودای حومه‌نشینان» برنده جایزه ادبی ویتبرد، «عشق سال‌های غم»، «انتهای خط زندگی»، «جذب کردن حرارت»، «سرزمین مادری»، «حومه»، «خط مرزی» و همچنین تعدادی داستان کوتاه، مقاله، نمایشنامه و فیلمنامه را در کارنامه دارد.

[۹] **که در تیتراژ پایانی هم مصداق‌هایی از آن را نشان می‌دهید، ازجمله ورود ماشین‌آلات سنگین هیتاچی به کشور و…**

بله، همین الان و در همین دولت فعلی هم که اتفاقات خوبی برای هپکو افتاد و خط تولید به‌راه است، واردات به روند رونق تولید ضربه می‌زند.

حرف مسئولان ما این است که هپکو الان و با این شرایط نمی‌تواند نیاز کشور را تامین کند. درحالی‌که به‌نظم با حمایت بیشتر این دغدغه هم برطرف می‌شود. ماشین‌هایی که امروز وارد کشور می‌شود، مستهلک است و به‌نظم حداقل هپکو می‌تواند این امتیاز را داشته باشد تا خودش ماشین‌های مستهلک را وارد کرده، بازسازی کند و آنها را به بازار بفرستد.

[۹] **یعنی می‌شود همین بحث واردات ماشین‌آلات را با ظرفیت‌های داخلی از جمله توانایی‌های هپکو پیوند بزنیم.**

دقیقا. به‌نظم دراین صورت آن بحث مسئولان و کارشناسان درباره تامین نشدن نیاز کشور هم پاسخ داده می‌شود. خود هپکو می‌تواند متولی این موضوع باشد و از سود این واردات برای پیشرفت کارخانه هم استفاده کند.

[۹] **در بخشی از فیلم و در یک ریشه‌یابی، توپ مشکلات خصوصی‌سازی در ایران را به زمین اصلاحات و شخص مرحوم آیت‌ا… هاشمی‌رفسنجانی شوت کردید و بعد هم با نقدهایی به دولت روحانی این رویه را ادامه دادید اما در شرح‌نوشت پایانی از ادامه روند واردات در دولت سیزدهم هم اظهار تاسف و با این نقد سیاسی‌تان، تعادلی تقریبی ایجاد کردید.**

سعی کردیم انصاف را در این مستند رعایت کنیم و واقعیت‌ها را بگوییم. در مرحله تدوین هرجا احساس کردیم داریم از دایره انصاف خارج می‌شویم و به شکل اغراق‌شده‌ای از یک شخص انتقاد می‌کنیم، آن بخش‌ها را حذف کردیم. اگر نسخه‌های قبلی فیلم را ببینید، خیلی متفاوت است. اینجا باید از آقای قربانی، تدوینگر فیلم تشکر کنم که دو سال کار ما این مستند را تدوین می‌کرد. به جز این، یک سری به من خرده گرفتند که در این فیلم آقای رئیسی را به صورت قهرمان نشان داده‌اید اما اصلا این هدف را نداشتیم. قهرمان اصلی این مستند کارگران کارخانه هپکو هستند اما اگر این تصور وجود دارد، مربوط به کار درستی است که آقای رئیسی در زمان مسئولیت قوه قضاییه انجام داد و کارخانه را دوباره زنده کرد. همین الان هم محبوبیت آقای رئیسی در میان کارگران هپکو واقعا زیاد است.

[۹] **هپکوتیزم یکی از آثار حاضر در سیزدهمین جشنواره فیلم عمار هم است. لطفاً نظراتان را درباره این رویداد هم بگویید.**

جشنواره عمار واقعا جشنواره‌ای مردمی است و هر سال بر کیفیت آن افزوده می‌شود. هم خود فیلم‌ها هم شیوه و روند برگزاری جشنواره هر دوره بهتر و باکیفیت‌تر از سال قبل می‌شود. از آنجایی که ما همیشه دغدغه این را داریم که کارهای‌مان برای مردم نمایش داده شود، این جشنواره به بهترین شکل این نیاز را برطرف می‌کند و آثار در نمایشی گسترده در سراسر کشور و به صورت مسجد به مسجد، روستا به روستا برای مردم اکران می‌شود که خیلی اتفاق خوبی است. ضمن این‌که سومین بار است که در جشنواره عمار شرکت می‌کنم. دوره‌های قبلی با مستندهای فوتبال (درباره یک منطقه حاشیه‌نشین شهر اراک) و دبایش (با موضوع فعالیت‌های جهادی یک مدافع حرم) در این رویداد حضور داشتیم.



به‌روزرسانی می‌کند و لایه‌های پنهانی از نظام آموزشی امروز را که از دید جامعه دور مانده است به تصویر می‌کشد. مشق امشب که خود را برای اکران در ایران

آماده می‌کند پیش از این در سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «ایدها» در آمستردام هلند که معتبرترین جشنواره مستند جهان لقب گرفته و در شصت‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ژنِین جمهوری چک - که یکی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم کودک و نوجوان در جهان محسوب می‌شود - حضور یافته و همچنین در شهر لندن نیز روی پرده سینمای Bertha DocHouse

رفته است. این مستند در بخش مستندهای اجتماعی – انتقادی بیست و چهارمین جشنواره فیلم مستند لیوبلیانای کشور اسلونی و چهل‌و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم استانبول ترکیه نیز به نمایش درآمده است.